فصلنامهٔ مطالعات ایران‌شناسی
سال نهم، شمارهٔ ۴، شمارهٔ پیاپی۲۹، زمستان ۱۴۰۴
Quarterly of - Iranology Studies
Volume 9, Issue 4, Serial number 29, Winter 2026
Doi:10.22034/is.2026.2067823.107

خوانشی از معماری یک بنای یادمانی در بستر طبیعی شمال ایران

سحر عبدالهی[۱]

چکیده

عمارت مرمر رامسر از مهم‌ترین بناهای یادمانی برجای‌مانده از دورهٔ پهلوی اول است که در پیوند با تحولات کالبدی و گردشگری شهر رامسر و در بستری طبیعی میان کوه و دریای کاسپین شکل گرفته است. این بنا که در فاصلهٔ سال‌های ۲۱۳۱ تا ۶۱۳۱ هجری شمسی احداث شد، از حیث ساختار فضایی، نمای معماری و تزئینات داخلی، نمونه‌ای شاخص از رویکرد ترکیبی معماری دورهٔ پهلوی اول به شمار می‌رود. پژوهش حاضر با هدف شناخت الگوی ساخت، خاستگاه عناصر فضایی و ویژگی‌های تزئینی عمارت مرمر، به بررسی کالبدی و تحلیل معماری این بنا در بستر تاریخی و فرهنگی دورهٔ پهلوی اول پرداخته است. روش پژوهش، توصیفی ــ تحلیلی و مبتنی بر مطالعات اسنادی، تاریخی، میدانی و تطبیقی است و در آن ویژگی‌های پلان، نما، عناصر سازه‌ای و تزئینی عمارت با نمونه‌های هم‌دوره، به‌ویژه ساختمان شهرداری بابل، مقایسه شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که معماری عمارت مرمر حاصل تلفیق و التقاط مؤلفه‌های معماری ایران باستان و سنت‌های معماری اروپایی است. در ساختار بیرونی بنا، عناصری همچون ستون‌ها، پایه و سرستون‌ها، ایوان، ورودی مرتفع، حجاری‌ها و استفاده گسترده از سنگ مرمر، بازتاب‌دهندهٔ گرایش‌های باستان‌گرایانه و ایران‌گرایانهٔ دورهٔ پهلوی اول هستند؛ در حالی که سازماندهی برخی فضاهای داخلی و تزئینات تالارها، پنجره‌ها و آرایه‌های معماری، متأثر از سبک‌های کلاسیک، باروک و روکوکو اروپایی است. همچنین، مقایسه پلان عمارت مرمر با ساختمان شهرداری بابل، شباهت‌هایی در الگوی تالار مرکزی، فضاهای جانبی، راهروی طولانی و ورودی مرتفع را آشکار می‌کند. بر این اساس، عمارت مرمر را می‌توان نمونه‌ای از معماری تشریفاتی دورهٔ پهلوی اول دانست که در آن تلاش برای پیوند دادن میراث معماری ایران باستان با الگوها و ذوق هنری اروپایی، در قالبی یادمانی و متناسب با جایگاه سیاسی ــ تشریفاتی بنا تجلی یافته است

واژه‌های کلیدی: عمارت مرمر رامسر، معماری پهلوی اول، معماری ایران باستان، باستان‌گرایی، معماری اروپایی، رامسر، معماری تشریفاتی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۲۹

۱. پژوهشگر پسا دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.
sahar.abdolahi۴۹۱@gmail.com

مقدمه

بناهـای تاریـخی، به‌عنـوان بخـشی از میـراث فرهنـگی هـر ملـت، بازتاب‌دهنـدۀ هویـت، شیـوۀ زنـدگی، اندیشـه و تاریـخ نسـل‌های گذشـته‌اند. شناسـایی و حفاظـت از ایـن آثـار، پیونـد نسـل حاضـر را بـا میـراث فرهنـگی گذشـته برقـرار می‌کنـد و امـکان بهره‌گیـری دوبـاره از تجربه‌هـای ارزشـمند پیشینیـان را فراهـم می‌سـازد. از جملـه آثـار تاریـخی رامسـر، عمارت‌هـای دورۀ پهلـوی اسـت کـه واجـد ارزش‌هـای منطقـه‌ای و ملی‌انـد و تاکنـون بـررسی جامـعی دربـارۀ همـۀ آن‌هـا انجـام نشـده اسـت. عمـارت مرمـر رامسـر بـه دسـتور پهلـوی اول، میـان سـال‌های ۱۳۱۲ تـا ۱۳۱۶ هجـری شـمسی سـاخته شـد. طـرح بنـا را معمـاران آلمـانی تهیـه کردنـد و سـاخت آن بـه دسـت معمـاران و هنرمنـدان ایـرانی انجـام شـد. ایـن بنـا چهـار سـال اسـتراحتگاه پهلـوی اول و ۳۷ سـال مقـر حکومـتی پهلـوی دوم بـود و تـا پیـش از پیـروزی انـقلاب اسلامی، بـرای پذیـرایی از مهمانـان عالی‌رتبـۀ کشـوری نیـز اسـتفاده می‌شـد. پـس از انـقلاب، بنـا زیـر نظـر بنیـاد مسـتضعفان انـقلاب اسلامی ایـران قـرار گرفـت و بـه مـوزه تبدیـل شـد. مجموعـۀ «بـاغ رامسـر و مسـتحدثات واقـع در آن» نیـز در تاریـخ ۱۳۷۸/۰۲/۱۹، بـا شـمارۀ ۲۳۲۳، در فهرسـت آثـار مـلی ایـران بـه ثبـت رسیـد

رامسـر از شـهرهایی اسـت کـه بخـش مهـمی از سـاختار معمـاری جدیـد آن در دورۀ پهلـوی اول شـکل گرفـت و شـماری از ویژگی‌هـای معمـاری ایـن دوره را در خـود حفـظ کـرده اسـت. مقایسـۀ عکس‌هـای هـوایی و تاریـخی شـهر، تغییـر سـریع سیمـای کالبـدی آن را نشـان می‌دهـد. عمـارت مرمـر، واقـع در مرکـز فرهنـگی ــ مـوزه‌ای رامسـر، در میـان سـاختمان‌های مجموعـه قـرار دارد و از بناهـای ارزشـمند آن بـه شـمار می‌رود. بـا وجـود گذشـت حـدود ۸۴ سـال، کالبـد بنـا تغییـرات اسـاسی انـدکی داشـته اسـت. ازایـن‌رو، پژوهـش حاضـر بـا تمرکـز بـر عمـارت مرمـر، در پی شـناخت و ارزیـابی کالبـد بنـا، ویژگی‌هـای معمـاری و الگـوی سـاخت آن اسـت. ایـن کاخ از نمونه‌هـای شـاخص معمـاری دورۀ پهلـوی اول بـه شـمار می‌آیـد و در پلان، نمـا و تزئینـات، ویژگی‌هـای معمـاری ایـرانی ــ اروپـایی را بازتـاب می‌دهـد

پژوهش‌هـای انجام‌شـده دربـارۀ ایـن اثـر، بـا وجـود اهمیـت آن در تاریـخ معمـاری ایـران، هنـوز بـه شـناختی فراگیـر از بنـا نینجامیده‌انـد. طـرح، سـاختار و اجـزای فضـایی عمـارت نیـز به‌طـور نظام‌منـد بـا نمونه‌هـای همسـان تطبیـق داده نشـده‌اند؛ ازایـن‌رو، دربـارۀ خاسـتگاه آن‌هـا شـناخت دقیـقی در دسـت نیسـت

پژوهش پیشِ رو می‌کوشد با بررسی فراگیر ساختار این اثر و با تکیه بر قراین تاریخی و یافته‌های معماری، شناختی مستند از عمارت مرمر به دست دهد و در عین حال، تصویری روشن‌تر از معماری تشریفاتی ایران و ساختار فضایی آن در عصر پهلوی اول ارائه کند

به‌طور کلی، این پژوهش می‌کوشد به دو پرسش اساسی پاسخ دهد: نخست، خاستگاه الگوی ساخت و عناصر فضایی عمارت چیست؟ و دوم، آمودهای به‌کاررفته در این عمارت چه ویژگی‌هایی دارند؟

پیشینه پژوهش

پژوهشگرانی که به‌طور مشخص آثار معماری تشریفاتی دورهٔ پهلوی اول را بررسی کرده‌اند، چندان پرشمار نیستند. در این زمینه می‌توان به کتاب معماری دورهٔ پهلوی اول تألیف مصطفی کیانی (۱۳۸۳) اشاره کرد که دورهٔ بیست‌سالهٔ تحولات معماری و شهرسازی معاصر ایران، از ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی، را بررسی می‌کند. نویسنده در این کتاب، دگرگونی اندیشه‌ها، تغییرات بنیادین و تأثیر آن‌ها بر معماری و شهرسازی را واکاوی کرده و عوامل مؤثر بر تحولات معماری این دوره را با استناد به اسناد و مدارک دولتی باقی‌مانده از دورهٔ پهلوی اول دسته‌بندی و تحلیل کرده است. بخشی از مباحث کتاب به اصلاحات سیاسی و اقتصادی و نقش شخص پهلوی اول می‌پردازد؛ بااین‌حال، بررسی معماری خصوصی در آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است

کتاب نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران تألیف سیروس باور (۱۳۸۸) نیز معماری ایران را از انقلاب مشروطه تا دورهٔ جمهوری اسلامی بررسی کرده و نمونه‌هایی از بناهای عمومی، از جمله بانک، موزه و شهرداری، را از نظر کالبدی تحلیل کرده است. رویکرد مؤلف بر ارزیابی نمونه‌هایی از دوره‌های مختلف تاریخ معماری معاصر و بررسی ارتباط آن‌ها با شرایط سیاسی و اجتماعی هر دوره استوار است. در این مسیر، توجه ویژه‌ای به معماری عمومی و بناهای شاخص دورهٔ پهلوی اول شده و معماری خصوصی و مسکونی کمتر بررسی شده است

در کتاب خانه، فرهنگ، طبیعت؛ بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر تألیف محمدرضا حائری مازندرانی (۱۳۸۸)، گام‌هایی در جهت شناخت معماری ایران در عصر

پهلـوی برداشـته شـده اسـت. مؤلـف سـازمان فضـایی خانه‌هـای ایـرانی و ارتبـاط آن را بـا شیـوهٔ زنـدگی سـاکنان در گذشـته بـررسی کـرده اسـت. از آنجـا کـه پژوهـش حاضـر نیـز بـه شـناخت معمـاری ایـن دوره در پیونـد بـا شیـوهٔ زیسـت توجـه دارد، از یافته‌هـای ایـن کتـاب بهـره گرفتـه شـده اسـت

مقالـهٔ افسـانه زرکـش (۱۳۸۵) بـا عنـوان «نقـش و تأثیـر عوامـل دولـتی بـر معمـاری بناهـای خصـوصی پهلـوی اول» بـه شـرایط مؤثـر بـر شـکل‌گیری معمـاری خصـوصی در ایـن دوره می‌پـردازد. در ایـن مقالـه، عوامـل مؤثـر در دو بُعـد فیزیـکی و غیرفیزیـکی بـررسی و تحلیـل شـده‌اند و شیـوهٔ پرداخـت آن بـه عوامـل مؤثـر بـر معمـاری خصـوصی دورهٔ پهلـوی اول، بـرای پژوهـش حاضـر قابـل توجـه بـوده اسـت

قاسـمی (۱۳۹۸) نیـز در پژوهـشی بـه بـررسی کلی عمـارت مرمـر و تحلیـل آثـار ارزشـمند باقی‌مانـده در آن پرداختـه اسـت. ایـن پژوهـش بـا اسـتناد بـه اسـناد تاریـخی، متـون دسـت‌اول و مصاحبه‌هـای شـفاهی، اطلاعـات قابل‌توجـهی ارائـه می‌کنـد؛ بااین‌حـال، الگـوی سـاخت و ویژگی‌هـای معمـاری عمـارت مرمـر را به‌طـور متمرکـز بـررسی نکـرده اسـت

همان‌گونـه کـه از پیشینـهٔ پژوهـش برمی‌آیـد، توصیـف و تحلیـل جامـع عملکـرد فضـایی سـاختارهای کاخ هنـوز انجـام نشـده اسـت. مهم‌تـر از آن، خاسـتگاه الگـوی طـراحی کالبـد عمـارت و عناصـر فضـایی آن نیـز به‌طـور دقیـق تبییـن نشـده و اشـاره‌های موجـود در منابـع، در بـرخی مـوارد نیازمنـد بازبینی‌انـد. ایـن خلأهـا ضـرورت انجـام پژوهـشی مسـتقل و متمرکـز دربـارهٔ عمـارت مرمـر را توجیـه می‌کننـد

موقعیت تاریخی شهر رامسر

تـا سـال ۱۳۱۱، منطقـهٔ رامسـر بـا نـام «سخت‌سـر» یـکی از بلوک‌هـای تنکابـن بـه شـمار می‌آمـد و ۴۴ روسـتا بـا ۷۴۱۳ نفـر جمعیـت داشـت. در سـال ۱۳۱۰، در میانـهٔ سـلطنت پهلـوی اول، ایـن منطقـه بـه دلیـل ویژگی‌هـای طبیـعی خـود بـرای احـداث هتـل، ویلاهـای مجلـل و کاخ‌هـای اقامـتی خانـدان سـلطنتی و مهمانـان ویـژه انتخـاب شـد. در پی آن، سـاخت هتـل رامسـر، عمـارت مرمـر و چنـد ویلای مجلـل آغـاز شـد و بناهـای یادشـده تـا اواخـر سـال ۱۳۲۲ بـه بهره‌بـرداری رسیدنـد. پیـش از ایـن تحـولات، منطقـه بافـتی روسـتایی و پراکنـده در میـان کشـتزارها، جنگل‌هـای متراکـم و دامنه‌هـای جنـوبی داشـت و از محله‌هـایی بـا نام‌هـای

گوناگـون تشـکیل می‌شـد؛ شـماری از ایـن محله‌هـا امـروزه نیـز بخـشی از بافـت فیزیـکی شـهرند و نام‌هـای قدیـمی خـود را حفـظ کرده‌انـد (تصویـر شـمارۀ ۱) (طـرح جامـع شهرسـتان رامسـر، ۱۳۸۵: ۱)

توسـعۀ جدیـد شـهر رامسـر عمدتـاً میـان سـال‌های ۱۳۱۱ تـا ۱۳۲۳ رخ داد. پیـش از انتخـاب رامسـر به‌عنـوان مرکـز گردشـگری و اقامتـگاه اختصـاصی خانـدان پهلـوی و سـران حکومـت، سـاختار اقتصـادی منطقـه بـر باغـداری، کشـاورزی و تولیـد ابریشـم اسـتوار بـود. چشـمه‌های آب‌گـرم دامنه‌هـای جنـوبی نیـز جمعیـت سـاکن نـواحی پیرامـونی را بـه ایـن محـدوده جـذب می‌کردنـد. پـس از کودتـای سـوم اسـفند، برنامه‌هـای عمـرانی گسـترده‌ای در کرانه‌هـای دریـای کاسـپین آغـاز شـد و اتصـال منطقـه بـه تهـران از طریـق جاده‌هـای هـراز، چالـوس و رشـت، دگرگونی‌هـایی جـدی در سـاختار کشـاورزی و اقتصـادی آن پدیـد آورد. رامسـر نیـز بـه دلیـل چشـم‌اندازهای طبیـعی بـرای احـداث هتل‌هـا، کاخ‌هـا و ویلاهـای لوکـس انتخـاب شـد و آغـاز پروژه‌هـای عمـرانی در سـال ۱۳۱۱، نخسـتین تغییـر اسـاسی را در بافـت فیزیـکی منطقـه رقـم زد (همـان: ۱۵)

از سـوی دیگـر، رامسـر به‌تدریـج از کارکـرد اختصـاصی بـرای دربـار و درباریـان فاصلـه گرفـت و مـورد اسـتفادۀ عمـوم، به‌ویـژه طبقـۀ مرفـه و سـرمایه‌دار قـرار گرفـت. توسـعۀ جاده‌هـا و فـرودگاه، افزایـش وسـایل نقلیـۀ شـخصی، گسـترش حمل‌ونقـل عمـومی و افزایـش تـوان مـالی بخـشی از جامعـه، بـه رونـق گردشـگری انجامیـد. در ایـن دوره، افزایـش گردشـگری داخـلی و شـمار جهانگـردان خـارجی، هم‌زمـان بـا گسـترش سـرمایه‌گذاری خـارجی، بـه نـواحی سـاحلی دریـای کاسـپین و به‌ویـژه مازنـدران جهـت یافـت و دگرگونی‌هـای گسـترده‌ای در کالبـد فیزیـکی منطقـه ایجـاد کـرد. رامسـر نیـز از ایـن رونـد مسـتثنی نبـود. رشـد حـدود شـش‌درصدی جمعیـت شـهر میـان سـال‌های ۱۳۴۵ تـا ۱۳۵۵، ایـن تحـول را نشـان می‌دهـد. در همیـن دوره، ساخت‌وسـازهای تـازه‌ای مرتبـط بـا گردشـگری شـکل گرفـت؛ از جملـه احـداث هتـل جدیـد رامسـر و تأسیسـات جانـبی و بازسـازی فـرودگاه رامسـر در سـال ۱۳۴۷ بـه دسـت شـرکت انگلیسی «آی‌واگ». فـرودگاه پـس از تحویـل بـه سـازمان هواپیمـایی کشـوری، بـرای پروازهـای عمـومی و بین‌المللـی مـورد اسـتفاده قـرار گرفـت و نقـش مهـمی در انتقـال گردشـگران بـه رامسـر ایفـا کـرد (طـرح جامـع شهرسـتان رامسـر، ۱۳۸۵: ۶)



تصویر شماره ۱ ـ نقشه‌ای قدیمی از رامسر (مأخذ: میراث فرهنگی رامسر)

باغ رامسر

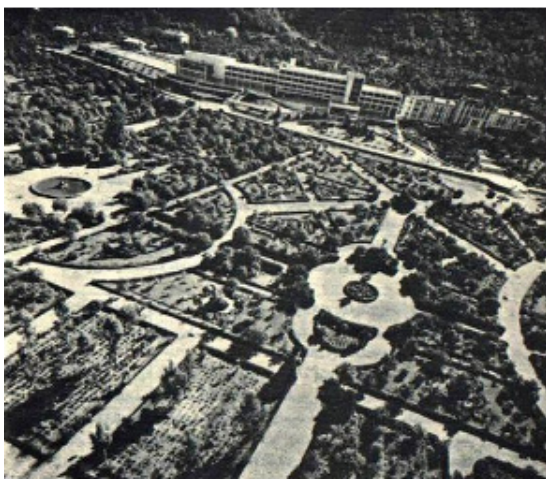
بخش مهمی از سیمای معماری جدید رامسر در دورهٔ پهلوی اول شکل گرفت و بسیاری از ویژگی‌های معماری این دوره را بازتاب می‌دهد. در این زمان، بناهای جدید شهرداری، شهربانی، بانک‌ها و مراکز تجاری در شهرهای مختلف ایران به‌سرعت ساخته شدند و شهرهای شمالی، که مورد توجه ویژهٔ حکومت بودند، نیز از این تحولات تأثیر پذیرفتند. باغ ساحلی رامسر از فضاهای شهری نو این دوره و متأثر از اندیشه‌های غربی دربارهٔ باغ و باغ‌سازی است. عناصر موجود در آن، از جمله کاربرد گستردهٔ مجسمه، شکل حوض‌ها و تیرهای چراغ، یادآور باغ‌های اروپایی‌اند. این باغ میان دو عارضهٔ طبیعی مهم، یعنی کوه و دریا، در پهنه‌ای با عرض کمتر از دو کیلومتر قرار گرفته و با دو عنصر شاخص هتل قدیم در کوهپایه و بلوار معلم در ساحل تعریف می‌شود. هتل جدید، عمارت مرمر، عمارت ملکهٔ مادر (موزهٔ عاج ایران) و عمارت شهربانی نیز از دیگر عناصر ارزشمند مجموعه‌اند (تصاویر شمارهٔ ۲ و ۳) (رنگچیان و حیدری، ۱۳۸۷: ۹۴)

از سمت مجموعهٔ هتل‌ها، باغ در پهنه‌ای شرقی ــ غربی با شکلی نسبتاً نامنظم دیده می‌شود. بلوار، به‌مثابهٔ ستون فقرات این پهنه، در امتدادی مستقیم تا نزدیکی ساحل ادامه می‌یابد و در نهایت به بنای کازینو می‌رسد. تا اواخر دههٔ ۱۳۳۰، مسیر میان هتل

و کازینـو آسـفالت بـود و در دو سـوی آن باغچه‌هـای سراسـری قـرار داشـتند. رودخانـه در مسیـر طبیـعی خـود، بلـوار را در دو نقطـه قطـع می‌کـرد و در ایـن نقـاط پل‌هـایی احـداث شـده بـود. زمین‌هـای دو سـوی بلـوار عمدتـاً کاربـری زراعی داشـتند و فـرودگاه نیـز در سـمت شـرقی آن سـاخته شـد. در ایـن دوره، محوطـۀ هتـل قدیـم شـامل بنـای هتـل، کاخ و چهـار ویلای اختصـاصی بـود (تصویـر شـمارۀ ۴). تیرهـای چـراغ بـرق، مجسـمۀ دختـران و گـوی و دیگـر مجسـمه‌های انسـانی از مهم‌تریـن تزئینـات محوطـه بـه شـمار می‌رفتنـد (همـان: ۱۱۰)



تصویر شماره ۲ ـ عکس هوایی جدید باغ رامسر (مأخذ: میراث فرهنگی)



تصویر شماره ۳ ـ عکس هوایی قدیم باغ رامسر (مأخذ: میراث فرهنگی)





تصویر شمارهٔ ۴ ـ موقعیت عناصر مجموعهٔ باغ رامسر در مرکز فرهنگی ـ موزه‌ای رامسر (مأخذ: نگارنده)

تاریخچهٔ عمارت مرمر رامسر

عمارت مرمر بزرگ‌ترین بنا در مجموعهٔ ۱۲ هکتاری مرکز فرهنگی ــ موزه‌ای رامسر است. ساخت این عمارت، همزمان با توسعهٔ نوار ساحلی دریای کاسپین در رامسر، به دستور پهلوی اول در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی آغاز شد و در سال ۱۳۱۶ به پایان رسید (تصویر ۵). بنا با مساحتی حدود ۶۰۰ مترمربع در محوطه‌ای نزدیک به شش هکتار ساخته شد. محل احداث عمارت پیش‌تر خانهٔ مسکونی سید حسین بنی‌هاشمیان، از زمین‌داران سرشناس آن زمان، بود و پس از انتقال او به محل دیگری، عمارت مرمر در همان مکان ساخته شد (سجادی، ۱۳۷۸: ۲۵۰)



تصویر شماره ۵ ـ نمایی از عمارت مرمر از سمت شمال (مأخذ: نگارنده)

در ساخت این عمارت، هنرمندان و صنعتگران بسیاری مشارکت داشتند. نقشهٔ عمارت را مهندسان بلژیکی تهیه کردند و طراحی پلان به شرکت Comp Sax نسبت داده شده است. بر پایهٔ شواهد و قراین، معمار بنا ابوالقاسم واثقی بوده است (مفید و رئیس‌زاده، ۱۳۸۵: ۹۱؛ به نقل از لرزاده). در ساخت بنا از آجر، ساروج و مخلوط آهک استفاده شده است. ابعاد ذکرشده برای آجرها ۵×۲۰ سانتی‌متر است و همهٔ آجرهای به‌کاررفته در بنا از کوره‌ای تأمین شده‌اند که در پشت حوزهٔ علمیهٔ امروزی رامسر، به همین منظور، تأسیس شده بود (سجادی، ۱۳۷۸: ۲۵۰)

گچ‌بری‌های ظریف درون عمارت، حاصل کار استادان اصفهانی، از جمله غلامعلی مسگر، سید محمد، غلامعلی ملائکه، عباس ملائکه و برادران شیخون است (قاسمی، ۱۳۹۸: ۲۶). گچ‌بری‌ها به شیوهٔ برجسته‌کاری (برهشته) اجرا شده‌اند. طرح گچ‌بری هر تالار با تالار دیگر تفاوت دارد و در تالارها و سقف ایوان از نقش‌مایه‌های تزئینی گوناگون، از جمله حیوانات، پرندگان، گیاهان و چهرهٔ کودک یا فرشته، استفاده شده است. در دورهٔ پهلوی اول، گچ‌بری از برخی جهات ادامهٔ سنت دورهٔ قاجار بود، اما در طرح‌ها و شیوه‌های اجرایی نوآوری‌های فراوانی پدید آمد (زمرشیدی، ۱۳۹۲: ۲۹)

سنگ‌های مرمر سرسراها و نمای بیرونی ساختمان از معادن تربت حیدریه تأمین شده و اجرای آن به استاد لرزاده نسبت داده شده است (مفید و رئیس‌زاده، ۱۳۸۵: ۹۱). بر اساس سندی در آرشیو وزارت امور خارجه، در سال‌های ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ دستگاه‌های مرمرتراش از کارخانه‌ای به نام فروگونی در رمِ ایتالیا وارد ایران شد و افرادی نیز برای آموزش به ایتالیا

اعـزام شـدند (اسـناد آرشیـو وزارت امـور خارجـه، شـمارۀ سـند ۳۹۴۱). بـر پایـۀ اطلاعـات شـفاهی، سـنگ‌های مرمـر یک‌تکـه بـه کاخ مرمـر تهـران منتقـل و در همان‌جـا تراشیـده می‌شـدند؛ ازایـن‌رو، بـا توجـه بـه هم‌زمـانی سـاخت عمـارت مرمـر تهـران و رامسـر، احتمـال داده شـده اسـت کـه در رامسـر نیـز از امکانـات مشـابهی اسـتفاده شـده باشـد. حجـار عمـارت ایـرانی بـوده و در روایت‌هـای مختلـف، از «عمـو رحیـم حجارباشی» و «اسـتاد گل‌عـلی مشـهدی» نـام بـرده شـده اسـت (قاسـمی، ۱۳۹۸)

سـند تاریـخی دیگـری نشـان می‌دهـد کـه پهلـوی اول بـر نحـوۀ اسـتفاده از سـنگ مرمـر در سـاختمان‌ها تأکیـد ویـژه‌ای داشـت و اسـتفادۀ عمـومی از آن محـدود شـده بـود. در آن سـند چنیـن آمـده اسـت: «بـه فرمـان مطـاع مبـارک اعلیحضـرت همایـون شاهنشـاهی ابلاغ می‌شـود بـه کار بـردن سـنگ مرمـر در ابنیـه دولـتی و غیـره بـه کلی ممنـوع اسـت، فقـط ممکـن اسـت سـنگ مرمـر بـرای سـاختن مبـل و قـوطی سیـگار و پایـۀ چـراغ مـورد اسـتفاده قـرار گیـرد، در ایـن صـورت هرکـس بخواهـد سـنگ مرمـر بـرای سـاختمان عمـارت بـه‌کار بـرد بایـد جلوگیـری شـود. بـه کار بـردن سـنگ مرمـر در کاخ شاهنشـاهی دلیـل ایـن نیسـت کـه سـایرین تـأسی نماینـد و بایـد کمـال مراقبـت شـود کـه در هیـچ عمـارت دولـتی و شـخصی سـنگ مرمـر بـه کار بـرده نشـود» (کیـانی، ۱۳۸۳: ۱۱۱؛ ضمیمـۀ ۱)

مجموعـۀ اسـناد یادشـده، نظـر مسـتقیم پهلـوی اول را دربـارۀ نمـای بناهـای مهـم و تنـوع مصالـح ــ از آجـر قرمـز قـزاقی تـا سـنگ تراورتـن و مصالـح دیگـر ــ و نیـز تأکیـد او بـر اسـتفاده یـا عـدم اسـتفاده از مـوادی ماننـد سیمـان و سـنگ مرمـر نشـان می‌دهـد. شـمار ایـن دسـتورالعمل‌های رسـمی، در کنـار بازدیدهـای مکـرر او از بناهـای ایـن دوره، از نقـش مسـتقیم وی در شـکل‌گیری بـرخی ویژگی‌هـای سـبکی حکایـت دارد. اگـر تعـدد فرمان‌هـا دربـارۀ مصالـح مختلـف را صرفـاً نـاشی از تغییـر سـلیقه ندانیـم، می‌تـوان ایـن تنـوع را حاصـل سیاسـت‌گذاری، تغییـر دیدگاه‌هـا و در نتیجـه چندگانـگی سـبکی ایـن دو دهـه دانسـت. عمـارت مرمـر رامسـر و دیگـر بناهـای سـنگی ایـن دوره نیـز تحـت تأثیـر اندیشـه‌های باسـتان‌گرایانه و برداشـت مسـتقیم از حجـاری و معمـاری هخامنـشی قـرار داشـتند (همـان: ۱۱۲)

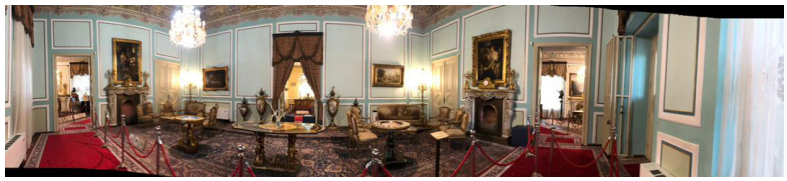
تالارهـای بـزرگ تشـریفاتی عمـارت بـا الهـام از کاخ‌هـای اروپـایی دو سـدۀ گذشـته، به‌ویـژه سـبک‌های اشـرافی فرانسـه، تزئیـن شـده‌اند و بسـیاری از آثـار هنـری ارزشـمند کاخ از عتیقه‌فروشی‌هـای فرانسـه خریـداری شـده اسـت (تصاویـر ۶، ۷ و ۸). هدایـای مقامـات ایـرانی و

خارجی به دربار پهلوی نیز بخش دیگری از مجموعه را تشکیل می‌دهد. آثار به‌کاررفته در تزئین عمارت، گنجینه‌ای ارزشمند از میراث هنری ایران و جهان‌اند. فرش‌های نفیس عمارت از برجسته‌ترین این آثار به شمار می‌روند و نمونه‌هایی از هنر بافندگان کرمان، مشهد، کاشان و اصفهان را در خود جای داده‌اند

بزرگ‌ترین فرش عمارت، با مساحت ۸۲/۵ مترمربع و بافت ۶۰ رج، اثر قالیبافی به نام علی هنری است و با نقش گل‌های شاه‌عباسی، تالار کنفرانس را زینت می‌دهد. در دو ویترین تالار نشیمن دوم و تالار غذاخوری نیز مجموعه‌ای از سفالینه‌های ایرانی متعلق به هزارهٔ اول پیش از میلاد نگهداری می‌شود؛ از جمله ریتون‌هایی که از کاوش‌های باستان‌شناختی املش گیلان به دست آمده‌اند و اکنون در تالارهای عمارت به نمایش گذاشته شده‌اند. این اشیا از کشفیات دههٔ ۵۰ هستند

از دیگر آثار ارزشمند عمارت می‌توان به تابلوهایی از هنرمندان گوناگون، از جمله اوتو پیترز، لیم پوتن، سِلِر، وارزان مجارستانی و برنارد بینیت اشاره کرد. قدیمی‌ترین تابلوی رنگ‌روغن عمارت، اثری با عنوان «برداشتی از شام آخر داوینچی» از هنرمندی ایتالیایی در سدهٔ هفدهم میلادی است که در تالار کنفرانس قرار دارد. پرده‌های ترمهٔ تالارها از زربافت کشمیر هند و به سفارش پهلوی اول ساخته شده‌اند و پرده‌های توری نیز به سفارش پهلوی دوم در کارخانهٔ نساجی مازندران در نوشهر تولید شده‌اند. لوسترها ساخت شرکت‌های باکارا و لالیک فرانسه‌اند و بزرگ‌ترین آن‌ها حدود ۲۴ شاخه دارد. ظروف غذاخوری شامل چینی‌های لیموژ فرانسه با نشان سلطنتی، جام‌های کریستال تراش‌خوردهٔ باکارا و کریستال‌های دوپوستهٔ یاقوتی ساخت جمهوری چک است که به سفارش دربار پهلوی تهیه شده‌اند

از آثار چشمگیر دیگر عمارت، جام‌های کارخانهٔ سور فرانسه متعلق به سده‌های هجدهم و نوزدهم میلادی است که نمونه‌های متنوعی از محصولات این کارخانه را دربر می‌گیرد. این جام‌ها زمینه‌ای سفید و نقش‌هایی سبز و طلایی دارند و تزئین آن‌ها به نقاشانی چون برترن و مکزنت نسبت داده شده است



تصویر شماره ۶- نمایی از تالار کنفرانس (مآخذ: نگارنده)



تصویر شماره ۷- نمایی از تالار نشیمن اول (مآخذ: نگارنده)



تصویر شماره ۸- نمایی از راهروی عمارت در بخش جنوبی عمارت (مآخذ: نگارنده)

توصیف و تحلیل ویژگی‌های معماری عمارت مرمر

بنا در زمینی مستطیل‌شکل و در امتداد شرقی ــ غربی، در یک طبقه و یک زیرزمین ساخته شده است. فضای داخلی شامل تالاری مرکزی، دو اتاق بزرگ در دو سوی آن و فضاهای خدماتی مانند حمام و سرویس است. کف تالارها با تخته و پارکتِ ساخته‌شده از چوب فوفل، ملج، سرو آزاد کانادایی و گردو، به شیوهٔ معرق و به دست استاد محمدعلی یادگاری اجرا شده است (قاسمی، ۱۳۹۸: ۲۵). طرح پارکت در هر تالار با تالار دیگر تفاوت دارد و درها و پنجره‌های عمارت نیز چوبی‌اند. ورودی اصلی در سمت شمال قرار دارد و ورودی دیگری در جنوب، دسترسی به بنا را فراهم می‌کند. ورودی جنوبی کاخ با دو تندیس سنگی از ببر مازندران، گونه‌ای که نسل آن منقرض شده است، تزئین شده؛ این تندیس‌ها از

همـان سـنگ مرمـر رگـه‌دارِ به‌کاررفتـه در نمـای سـاختمان سـاخته شـده‌اند (تصاویـر ۹ و ۱۰) (قاسـمی، ۱۳۹۸)



تصویر شماره ۹- نمایی از عمارت مرمر، دید از جنوب شرقی (مآخذ: نگارندگان)





تصویـر شـماره ۱۰- ببرهـای حجـاری شـده (نمـاد حیـات وحـش مازنـدران)، ضلـع جنـوبی عمـارت (مآخـذ: نگارنده

در بخـش شـمالی عمـارت، ایـوانی بـا چهـار سـتون سـنگی قـرار دارد کـه بـر جلـوۀ بنـا افـزوده اسـت (تصاویـر ۵ و ۱۱). ارتفـاع هـر سـتون حـدود هفـت متـر اسـت. سـتون‌های ایـوان از سـه بخشِ پایه‌سـتون، بدنـه و سرسـتون تشـکیل شـده‌اند؛ بدنـۀ هـر سـتون یک‌تکـه اسـت، سرسـتون‌ها بـه شیـوۀ کورنـتی سـاخته شـده‌اند و پایه‌سـتون‌ها از نظـر فـرم بـه نمونه‌هـای دورۀ هخامنـشی شـباهت دارنـد. شیـوۀ کورنـتی، از پرجزئیات‌تریـن شیوه‌هـای کلاسیـک معمـاری بـه شـمار می‌رود





تصویر شمارهٔ ۱۱ ــ الف و ب) سرستون و پایه‌ستون‌های عمارت مرمر رامسر؛ ج) نمونه‌ای از سرستون‌های کورنتی در معابد و ساختمان‌های یونانی و شباهت آن‌ها با سرستون‌های عمارت مرمر (مأخذ: https://www.classicist.org/)

شیوهٔ کورنتی با تغییراتی جزئی در معماری یونانی و رومی به‌کار رفت و بعدها بر شکل‌گیری شیوه‌های آمیخته نیز اثر گذاشت. منشأ نام آن با دولت‌شهر یونانی کورینت پیوند دارد. بنا بر روایت ویتروویوس، کالیماخوسِ پیکره‌ساز با مشاهده یا ترسیم برگ‌های آکانتوس پیرامون یک سبد نذری، از این فرم الهام گرفت (Vitr. ۴.۱.۹–۱۰). از نظر باستان‌شناسی، یکی از نخستین سرستون‌های شناخته‌شدهٔ کورنتی در معبد Apollo Epicurius در Bassae یافت شده و تاریخ آن به حدود ۴۲۷ پیش از میلاد بازمی‌گردد

برگ آکانتوس (آرایش برگ کنگری) از عناصر شاخص شیوهٔ کورنتی است. سرستون‌های این شیوه با حجاری پرجزئیات و عناصر گیاه متعدد، حتی بیش از شیوهٔ ایونیک، شناخته می‌شوند. برگ‌های حجاری‌شده و سبک‌پردازی‌شدهٔ آکانتوس پیرامون سرستون قرار می‌گیرند و معمولاً تا زیر بخش فوقانی آن امتداد می‌یابند. رومیان، احتمالاً به دلیل ظرافت و تناسبات کشیدهٔ این شیوه، از آن استقبال کردند و نمونه‌های متعددی از آن در بناهای شاخص رومی، از جمله معبد Mars Ultor، پانتئون رم و Maison Carrée در Nîmes، به کار رفت (https://www.classicist.org/).

در نمای بیرونی، میان قطعات سنگ مرمر از سرب استفاده نشده و سرب تنها در بندکشی‌ها به کار رفته است. هدف از این کار، جلوگیری از نفوذ بارانِ مورب به میان سنگ‌ها و کاهش احتمال شکستگی ناشی از انبساط و انقباض عنوان شده است (پروندهٔ ثبتی عمارت مرمر رامسر، آرشیو میراث فرهنگی)

سقف بنا شیب‌دار است. کف کرسی حدود ۲/۵۰ متر از سطح زمین ارتفاع دارد و این اختلاف سطح، شکل‌گیری زیرزمین و کاهش نفوذ رطوبت به فضای اصلی را ممکن کرده است. قرارگیری بنا در ارتفاعی بالاتر از سطح زمین و تأکید بر ورودی، در بسیاری از ساختمان‌های دورهٔ پهلوی اول دیده می‌شود. برآمدن بنا از سطح پیرامونی، علاوه بر متمایزکردن آن از محیط، بر جلوهٔ نما و حس شکوه بنا تأکید می‌کند. این تنوع در فرم و فضا و شکستن تداوم یکنواخت بصری، از ویژگی‌های شماری از بناهای این دوره است و در ساختمان‌های شهربانی، شهرداری، بانک‌ها و دیگر بناهای دولتی نیز مشاهده می‌شود. مجموعهٔ نخستین بناهای دانشگاه تهران و میدان مشق (باغ ملی) از نمونه‌های شاخص این رویکردند (کیانی، ۱۳۸۳: ۱۴۹)

به نظر می‌رسد عمارت مرمر رامسر از معماری سنتی و پیشینهٔ باستانی ایران تأثیر پذیرفته است. در تحلیل زمینهٔ تاریخی بنا، می‌توان تغییر جهت سیاست فرهنگی حکومت، از دین‌دوستی به دین‌گریزی و سپس مذهب‌ستیزی را نیز یکی از عوامل مؤثر بر گرایش به ظاهر باستان‌گرایانهٔ معماری دانست. ساختار عمارت، افزون بر نما، در پلان و شیوهٔ ساخت نیز متأثر از الهامات سنتی است. این گرایش به معماری باستانی، بیش از آنکه صرفاً اندیشه‌ای شکل‌گرفته در داخل ایران باشد، با فاصله‌ای اندک از رویکردهای باستان‌گرایانهٔ اروپا در اواخر سدهٔ نوزدهم و اوایل سدهٔ بیستم پدیدار شد. توجه رمانتیک به گذشتهٔ باستانی، در اروپا در قالب‌هایی چون رمانتیسیسم ملی و نئوگوتیک ظاهر شد و در ایران نیز زمینهٔ توجه دوباره به میراث باستانی را تقویت کرد (همان: ۲۷۳)

در عمارت مرمر، ورودی با حالتی دعوت‌کننده و باشکوه به‌عنوان نقطهٔ عطف طراحی مطرح شده است. این ترکیب، تا حدی ستاوندهای رفیع کاخ‌های هخامنشی را به یاد می‌آورد. راهروهای کشیده، پله‌های عریض و کم‌ارتفاع و تکرار فضاهای مشابه نیز از عناصر شاخص پلان‌اند. بااین‌حال، در این آمیزش سبکی، گرایش به آرایه‌های کهن غالب است و تزئینات اسلامی از نظر کمّی حضور محدودتری دارند، هرچند از نظر کیفیت قابل‌توجه‌اند (داعی‌پور، ۱۳۸۶: ۷۱). ستون‌ها و پنجره‌ها در ایجاد حس ابهت و شکوه بنا نقشی اساسی دارند. ورودی‌های بلند و ستون‌های مرتفع و کشیدهٔ عمارت مرمر را می‌توان، از یک سو، با معماری اقتدارگرای آلمان در آغاز سدهٔ بیستم و از سوی دیگر، با گرایش باستان‌گرایانه به عظمت ایران کهن و نوعی نئوکلاسیسیسم ایرانی مرتبط دانست؛ در هر دو خوانش، تأکید بر اقتدار و شکوه برجسته است (همان)

پنجره‌های عمارت مرمر با استفاده از چوب و شیشه و با طرح‌هایی که بیش از نقوش سنتی ایران، بازتاب‌دهندهٔ معماری اروپای سدهٔ نوزدهم‌اند، تأثیر مستقیم معماری غرب را نشان می‌دهند. در بخش‌هایی از تزئینات داخلی، ویژگی‌های روکوکوی فرانسوی دیده می‌شود و نظم، ظرافت و طراحی ملایم، بنا را از بسیاری نمونه‌های هم‌دوره متمایز می‌کند. قاب پنجره‌ها، قوس‌ها و گچبری‌های برجسته نیز در شکل‌گیری این فضا مؤثرند (Van Uffelen, ۲۰۰۹: ۸۲) از سوی دیگر، تزئینات غنی کلاسیک، تنوع فاصله‌گذاری و تمرکز ستون‌ها بر ورودی مرکزی، به برخی ویژگی‌های باروک فرانسوی نزدیک است. در معماری کاخ‌های فرانسه نیز به هماهنگی عناصر داخلی مانند چوب، گچ، فلز، رنگ و شیشه توجه فراوانی می‌شد؛ نمونهٔ شاخص آن در تزئینات کاخ ورسای دیده می‌شود (مینستون، ۱۳۸۵: ۹۶)

در کنار تأثیر معماری اروپایی، ملی‌گرایی نیز یکی از محورهای اصلی سیاست فرهنگی در آغاز حکومت پهلوی اول بود و جایگزینی علایق ملی به جای برخی پیوندهای مذهبی، از ویژگی‌های برجستهٔ این جریان به شمار می‌رفت (کیانی، ۱۳۸۳: ۴۸). شاه و مشاورانش می‌کوشیدند با فاصله‌گرفتن از گذشتهٔ متأخر، میراث باستانی پیش از اسلام را با آینده‌ای مبتنی بر الگوهای اروپایی پیوند دهند. در نتیجه، نوعی ملی‌گرایی فرهنگی و قومی با اشتیاق به عناصر تازهٔ خارجی در معماری این دوره درآمیخت (کمبریج، ۱۳۷۱: ۳۸)

بازتاب این تفکر را می‌توان در پلان، نما و تزئینات بناهای مسکونی و دولتی این دوره مشاهده کرد. بسیاری از پلان‌ها از الگوهای معماری اروپایی پیروی می‌کنند، درحالی‌که نماها از نقوش و حجاری‌های کلاسیک ایران باستان یا از تزئینات ساده‌شده و تحول‌یافتهٔ معماری سنتی با پیشینهٔ اسلامی تأثیر پذیرفته‌اند. حکومت پهلوی اول نیز از ابزارهای گوناگونی برای برجسته‌کردن اندیشهٔ باستان‌گرایانه بهره می‌گرفت (همان: ۴۰)

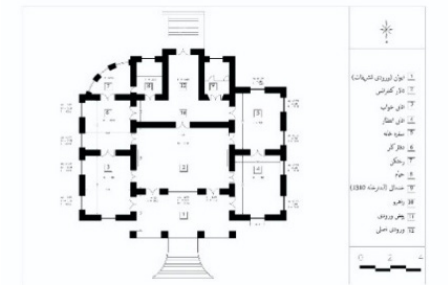
با توجه به ساختار بنا، می‌توان پلان عمارت مرمر را درون‌گرا دانست. در معماری سنتی بسیاری از نقاط ایران، درون‌گراییِ بناهای خصوصی امکان اشراف مستقیم از بیرون به فضای داخلی را محدود می‌کرد و مرکز خانه را از هیاهوی کوچه و بازار دور نگه می‌داشت. به این ترتیب، استقلال نسبی خانه از محیط پیرامون و آرامش ساکنان تقویت می‌شد. در فضای داخلی نیز رعایت سلسله‌مراتب دسترسی و تفکیک عرصه‌های گوناگون زندگی، در همین راستا عمل می‌کرد. شکل‌گیری اندرونی و بیرونی، که با آداب زندگی ایرانی پیوند داشت، از مهم‌ترین نمودهای این تفکیک در بناهای خصوصی بود. همچنین هماهنگی با طبیعت و بهره‌گیری از

نـور، بـاد، آب، خـاک و گیـاه در معمـاری گذشـته، در خدمـت کیفیـت فضـای زیسـت قـرار می‌گرفـت (حائـری، ۱۳۸۸: ۳۸)

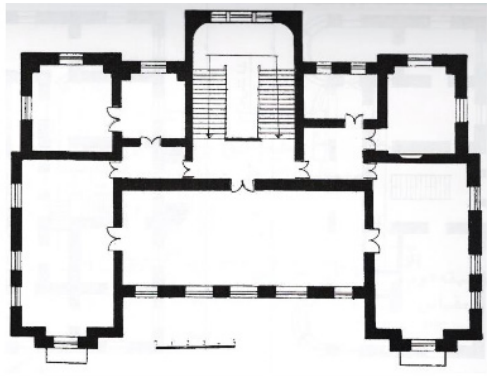
پله‌هـا و راهروهـای عمـارت مرمـر در تنظیـم روابـط و عملکـرد فضاهـای داخـلی اهمیـت زیـادی دارنـد؛ در مقابـل، عناصـری ماننـد حـوض، آب‌نمـا، باغچـه و پوشـش گیـاهی بـه فضـای بیـرون منتقل شـده‌اند. راهـروی طـولانی و نسـبتاً یکنواخـت عمـارت، همـراه بـا دو تـالار قرینـه در دو سـوی آن و یـک تـالار مرکـزی، از ویژگی‌هـای اصـلی پلان اسـت. در بسیـاری از بناهـای دورهٔ پهلـوی اول، راهروهـا بـه فضاهـایی طـولانی بـا کارکـرد عمدتـاً ارتبـاطی تبدیـل شـدند و جذابیـت فضـایی آن‌هـا در درجـهٔ دوم قـرار گرفـت (تصویـر شـمارهٔ ۸) (همـان: ۴۹). ایـن ویـژگی در عمـارت مرمـر رامسـر نیـز دیـده می‌شـود

بـه نظـر می‌رسـد پلان عمـارت مرمـر رامسـر شـباهت زیـادی بـه سـاختمان شـهرداری بابـل دارد. ایـن بنـا در سـال ۱۳۰۷ هجـری شـمسی، در دورهٔ پهلـوی اول، به‌عنـوان بلدیـه (شـهرداری) احـداث شـد. دو سـاختمان در فاصلـهٔ زمـانی نسـبتاً نزدیـک سـاخته شـده‌اند و از نظـر سـازمان فضـایی نیـز مشـابهت‌هایی دارنـد: پلان شـهرداری بابـل، ماننـد عمـارت مرمـر، شـامل تـالاری مرکـزی، فضاهـایی در دو سـوی آن، راهـرویی طـولانی و ورودی‌ای مرتفـع اسـت

ایـن بنـا در دورهٔ پهلـوی اول به‌عنـوان سـاختمان شـهرداری بابـل اسـتفاده می‌شـد و اکنـون در قالـب مـوزهٔ باستان‌شـناسی در معـرض بازدیـد عمـوم قـرار دارد. کانـون سـازمان فضـایی آن، تـالاری سـتون‌دار اسـت کـه دیگـر فضاهـا بـا محوریـت آن جانمـایی شـده‌اند. ایـن تـالار در جبهـهٔ شـمالی، از طریـق ایـوانی عـرضی ـــ کـه مهم‌تریـن عنصـر برون‌نگـر بناسـت ـــ بـا میانسـرا ارتبـاط پیـدا می‌کند



تصویر شماره۱۲– الف) تصویر پلان بالا، پلان عمارت مرمر رامسر
(مآخذ: آرشیو مرکز فرهنگی موزه‌ای رامسر)



ب) تصویر پایین، پلان شهرداری بابل (مآخذ: میراث فرهنگی)

ساختمان شهرداری بابل بیش از آنکه ساختارهای درونی را به بیرون پیوند دهد، نگاه را به فضای داخلی هدایت می‌کند. در دو سوی ایوان، با تقارنی نسبی، چند اتاق قرار گرفته است. اتاق شمال‌غربی با درگاهی مستقل به ایوان متصل می‌شود و اتاق شمال‌شرقی نیز، با واسطه یا به‌صورت مستقیم، با ایوان ارتباط دارد. دیگر فضاها از طریق تالار میانی و ایوانِ جبههٔ شمالی به میانسرا و ورودی اصلی مجموعه مرتبط می‌شوند. در دو سوی تالار میانی و در مرکز جبهه‌های شرقی و غربی نیز دو اتاق به‌صورت قرینه جانمایی شده‌اند (تصویر شمارهٔ ۱۲ ــ ب)

توصیف پلان شهرداری بابل، شباهت سازمان فضایی آن با عمارت مرمر را آشکار می‌کند. به نظر می‌رسد در شماری از بناهای دورهٔ پهلوی اول، الهام آگاهانه از معماری هخامنشی دنبال شده باشد. در عمارت مرمر نیز نمادهای باستانی ایران در چارچوب تفکری ملی‌گرایانه و با توجه ویژه به معماری پیش از اسلام، به‌خصوص معماری هخامنشی، حضور دارند. این گرایش با برانگیختن احساسات ملی و بازنمایی هویت تاریخی پیوند داشت و در به‌کارگیری نسبتاً مستقیم عناصری چون ستون، سرستون، ایوان، حجاری و تا حدی پلکان نمود پیدا کرد. ساختمان شهربانی، بانک ملی، وزارت امور خارجه، ادارهٔ پست، خانهٔ صیرفیان‌پور و خانهٔ بهایی از نمونه‌های دیگر این شیوه در دورهٔ پهلوی اول‌اند (تصاویر ۱۳ تا ۱۶) (کیانی، ۱۳۸۳: ۱۸۹)

اسلام‌گریزی، احیای آیین زرتشت و گسترش مطالعات باستان‌شناسی، از عوامل مؤثر بر تقویت باستان‌گرایی در این دوره دانسته شده‌اند. رجبی، از پژوهشگران معماری دورهٔ پهلوی اول، دربارهٔ الهام از معماری هخامنشی و تلفیق آن با معماری اروپایی می‌نویسد:

«بـدون تردیـد در هیـچ دوره‌ای از تاریـخ معمـاری ایـران سـبکی (سـبک معمـاری پهلـوی اول) بـا ایـن سـرعت آفریـده نشـده اسـت و در هیـچ دوره‌ای از تاریـخ ایـران، معمـاری ایـران پـلی بـه ایـن عظمـت نـزده اسـت. پـل عظیـمی کـه بـا دو قـوس بـزرگ، ایـران باسـتان را بـه زمـان خـود و غـرب زمـان خـود می‌پیونـدد و پـلی کـه هـر سـه سـتونش بـر پایه‌هـای منطـقی اسـتوارند. دو سـتون‌پایهٔ منطـقی در ایـران باسـتان و در ایـران معاصـر و یـک سـتون‌پایهٔ منطـقی دیگـر در غـرب» (رجـبی، ۱۳۵۵: ۹۸)



تصویر شماره۱۳- عمارت پست و بخشی از سر در عمارت، (مآخذ: قبادیان، ۱۳۸۲).



تصویـر شـماره۱۴- نمـای جنـوبی کاخ شـهربانی، اسـتفاده از طـرح سرسـتون‌های تخـت جمشیـد (مآخـذ، قبادیـان، ۱۳۸۲)



تصویر شماره۱۵– ستون با مقطع مربع و تزئینات کم سرستون، نمای جنوبی خانه‌ی بهایی، پهلوی اول (مآخذ: نگارندگان: ۱۳۹۹)



تصویر شماره۱۶– سرستون با طرح حیوانات، ملهم از معماری دوران هخامنشی، نمای جنوبی خانه‌ی صیرفیان‌پور (مآخذ: میراث فرهنگی: ۱۳۸۴)

نتیجه‌گیری

دورۀ پهلـوی اول، از ۱۳۰۴ تـا ۱۳۲۰ هجـری شـمسی، یـکی از دوره‌هـای مهـم تاریـخ سیـاسی و معمـاری معاصـر ایـران اسـت. در ایـن دوره شـمار قابل‌توجـهی کاخ، کوشـک، بـاغ و بنـای حکومـتی سـاخته شـد کـه نـام و موقعیـت بسیـاری از آن‌هـا در منابـع تاریـخی ثبـت شـده و شـماری نیـز

همچنـان پابرجـا هسـتند. بخـشی از ایـن آثـار تشـریفاتی در شـهرهای شـمالی ایـران بـاقی مانده‌انـد و عمـارت مرمـر رامسـر یـکی از نمونه‌هـای شـاخص آن‌هاسـت کـه کالبـد آن در گـذر زمـان تغییـرات اسـاسی انـدکی داشـته اسـت

برآینـد کلی پژوهـش نشـان می‌دهـد کـه عمـارت مرمـر بـا رویکـردی تلفیـقی و بـا الهـام از معمـاری ایـران باسـتان و معمـاری اروپـایی سـاخته شـده اسـت. بسیـاری از عناصـر فضـایی بنـا ریشـه‌های ایـرانی دارنـد و پیشینـهٔ آن‌هـا را می‌تـوان در معمـاری پیـش از اسلام جسـتوجو کـرد. مطالعـات تطبیـقی نیـز شـباهت قابـل توجـه پلان عمـارت مرمـر رامسـر بـا سـاختمان شـهرداری (بلدیـه) بابـل، ساخته‌شـده در دورهٔ پهلـوی اول را نشـان می‌دهنـد. در طـراحی داخـلی و دکوراسیـون عمـارت می‌تـوان مؤلفه‌هـایی از بـاروک و روکوکـوی اروپـایی را تشـخیص داد؛ در مقابـل، الگـوی تـالار مرکـزی و راهـروی طـولانی، ورودی‌هـای چندگانـه، کاربـرد گسـتردهٔ سـنگ و حجـاری و فـرم پایه‌سـتون‌های نمـای بیـرونی، گرایـش بـه هویـت و معمـاری ایـرانی را برجسـته می‌کننـد. در کنـار عناصـر برگرفتـه از ایـران باسـتان، نشـانه‌هایی از سـبک‌های کلاسیـک، بـاروک و روکوکـوی فرانسـوی و نیـز بـرخی هنرهـای تزئینـی روسی، انگلیـسی و آلمـانی در بنـا دیـده می‌شـود. ازایـن‌رو، عمـارت مرمـر رامسـر را می‌تـوان نمونـه‌ای روشـن از آمیـزش گرایش‌هـای باسـتان‌گرایانهٔ ایـرانی بـا تأثیـرات معمـاری اروپـایی در دورهٔ پهلـوی اول دانسـت



وزارت کشور
اداره کل شهرداریها
محرمانه وفوری
شهرداری تهران

بفرمان مطاع مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ابلاغ میشود بکار برد سنگ مرمر در اینبنده ولتی وغیره بکلی ممنوع است فقط سنگ است سنگ مرمر برای ساختن میل وقوطی سیگار وپایه چراغ مورد استفاده عموم قرارگیرد در اینصورت هرکس بخواهد برای ساختمان عمارت بکار برد باید جلوگیری شود بکاربردن سنگ مرمر در رکاع شاهنشاهی دلیل این نیست که سایرین هم تاسی نمایند وباید کمال مراقبت شود که در هیچ عمارتی ولتی وشخصی سنگ مرمر بکار برد مشکوک اجرای این دستور راکوتاه دهند .

ضمیمه شماره ۱

منابع

باور، سیروس (۱۳۸۸). «نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران». نشر فضا.

تاریخ کمبریج (۱۳۷۱). «مردم ایران»، ترجمهٔ مرتضی ثاقب‌فر. تهران: جامی.

حیدری، وحید و علی رنگچیان (۱۳۸۷). «باغ بولوار رامسر». گلستان هنر، شمارهٔ ۱۰.

حائری، محمدرضا (۱۳۸۸). «خانه، فرهنگ، طبیعت؛ بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معماری معاصر». تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری

داعی‌پور، زینب (۱۳۸۶). مجلهٔ رهپویه هنر، دورهٔ دوم، شمارهٔ ۴، ص. ۷۲-۶۸.

رجبی، پرویز (۱۳۵۵). «معماری ایران در عصر پهلوی». تهران: دانشگاه ملی ایران.

زرکش، افسانه (۱۳۸۵). «نقش و تأثیر عوامل دولتی در معماری بناهای خصوصی در دورهٔ پهلوی اول». کتاب ماه هنر، ص. ۲۵-۱۴.

زمرشیدی، حسین (۱۳۹۲). «هنرهای تزئینی و پدیده‌های شگرف گچبری در معماری ایران». فصلنامهٔ مطالعات شهر ایرانی ــ اسلامی، ص. ۳۳-۱۹.

سجادی، محمدتقی (۱۳۷۸). «تاریخ و جغرافیای رامسر». تهران: انتشارات معین.

قاسمی، آیت (۱۳۹۸). «عمارت مرمر رامسر». آرشیو مرکز فرهنگی ــ موزه‌ای شهدای رامسر، مؤسسهٔ فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی ایران

کیانی، مصطفی (۱۳۸۳). «معماری دورهٔ پهلوی اول؛ دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دورهٔ بیست‌سالهٔ معاصر ایران، ۱۳۲۰-۱۲۹۹». تهران: مؤسسهٔ مطالعات تاریخ معاصر ایران

مینستون، مادلین (۱۳۸۵). «تاریخ هنر سدهٔ هفدهم»، ترجمهٔ حسن افشار. تهران: مرکز.

مفید، حسین و مهناز رئیس‌زاده (۱۳۸۵). «خاطرات استاد لرزاده». تهران: انتشارات مولی.

وزارت مسکن و شهرسازی استان مازندران (۱۳۸۵). شرکت مهندسان مشاور شهر و بنیان. «گزارش طرح تفصیلی شهرستان رامسر»

Van Uffelen، Chris & Markus Golser (۲۰۰۹). Paris: The Architecture Guide. Berlin: Braun.

وب‌سایت خارجی

https://www.classicist.org